

بدلتنا هم جلودا غیر هالید و قوال عذاب
یعنی هرگاه که پنجه شوند پوستها ایشان بسدل ساییم
دیگر تا چشم غراب یک بر چشم بدین غراب یعنی تبدیل
بجلود آخر پس در زمان نفع و تبدیل احساس غراب نشوند
و ایرجال در زمان غداست و اما بعد برین رحمت
پس نه پوست در نفع آید و نه بسدل کرد بلکه مخر گردد
و غراب محسوس نشود و حکم اهل ادرین زمان تا غیرها
حکم آن امت است که در نماز باشند و مغرب نشوند
مثل خرنار و برین محمول دارند لایموتون و لایموتون
یعنی اهل نماز خانی است و بجهت بخوبی برین بیدار است
و مزاج اهل نماز مختلف است پس اینها نه در حکم
حیات اند و نه در حکم مات بوم رحمت و سرایت
با اهل نماز کلام شیخ ابن رطاب است در مواضع که نشان

مغرب است

متعاقبت و شیخ عبدالرحمن بقدر سر و غیره یا که در تحقیق
کلام شیخ که قدس و کم اهل نماز را چنانچه خواهد از کلام
و از کلام متابعا شیخ سه حال اند اول حال آن است که چون
داخل شوند اهل نماز بر نماز است ط شوق غراب بر ظاهر
باطن اینها در سر جریح و اضطراب بر طلب کنند
که تخفیف آید و نه شود ازینها غراب یا موت و این
یا اینکه بر احوال شوند کسب و نیات عمل نیک کنند پس این
مستجاب نشود حال دوم آن است که چون مستجاب نشود
طلبات ایشان در مایوس شوند از حصول آن مستوطن
انفس خود را بر غراب پس رحمت توجه شود و غدا
باطنی مرفوع شود الشیبه بدل ایشان طلعه شده است
پس خلاص شوند از غراب تا بگویند که باستانند غراب
چسانی و حال سیم آن است که بعد از شستن احوال

در بیان شیخ عبدالرحمن
در بیان شیخ عبدالرحمن

King Saud University

Copyright © King Saud University